

«زن و مطالعات خانواده»

سال شانزدهم - شماره شصت، تابستان ۱۴۰۲

ص ص: ۱۸۳-۲۰۱

بررسی میزان پایبندی زنان جوان ترک و کرد تبریز و بوکان به هویت ملی و قومی

ماریا پاشایی^۱

محمود علمی^۲

داود ابراهیم پور^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱

چکیده

شرط بقا و استمرار فرهنگی جوامع، انسجام و یکپارچگی افرادی است که ریشه‌های هویتی خود را به آن فرهنگ متعلق می‌دانند. هویت‌یابی و همسویی با هویت‌های جمعی مانند هویت ملی و هویت قومی در بین زنان که هم نصف جمعیت هستند و هم در هویت‌یابی نصف دیگر نقش بسزایی دارند، حائز اهمیت است. هدف کلی تحقیق حاضر، تعیین میزان پایبندی زنان جوان ترک و کرد شهرهای تبریز و بوکان به هویت ملی و قومی می‌باشد. روش تحقیق، پیمایش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری، جوانان گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال شهر تبریز و بوکان و حجم نمونه بترتیب ۳۸۴ و ۳۸۰ نفر بود. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که میزان پایبندی به هویت ملی در بین زنان جوان ترک و کرد شهرهای تبریز و بوکان در سطح بالایی است و تفاوت معنی‌داری میان آنها وجود ندارد. پایبندی به هویت‌های ملی و قومی در بین زنان جوان ترک و کرد نشان‌دهنده ریشه‌های غنی هویت قومی و ملی در جامعه ایران است.

واژگان کلیدی: هویت ملی، هویت قومی، زنان جوان ترک و کرد

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) elmim@iaut.ac.ir

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران ebrahimpoord@iaut.ac.ir

مقدمه

امروزه روابط اجتماعی و تعلقات گروهی زنان نسبت به گذشته زیاد شده و علت آن دگرگونی‌ها و تحولات فرهنگی، اقتصادی، بالارفتن مشارکت زنان، در درآمد زایی و افزایش فرصت‌های تحصیلی و آموزشی است. این عوامل سبب تعدد و تکثر منابع هویت‌سازی زنان گشته‌است. فرایند هویت‌سازی زنان تأثیرات عمیقی در نهادهای جامعه و از سوی دیگر بر آگاهی زنان داشته‌است و این عوامل باعث کاهش مطلوبیت الگوهای سنتی نقش زن و همچنین کاهش الگوی خانواده پدر سالار به خصوص در میان زنان تحصیل کرده و شاغل شده‌است. این مسائل در بخش‌هایی از جامعه که در معرض تغییرات نهادی و فرهنگی گسترده‌ای قرار دارند، سبب دگرگونی در نقش‌های سنتی و جایگزینی نقش‌های جدید و گاهی به تعارض هویتی زنان منجر می‌شود، بگونه‌ای که هویت‌یابی که در جوامع سنتی منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتسابی به ویژه جنسیت بود، امروزه توسط خود زنان صورت می‌گیرد. افزایش منابع اجتماعی و فرهنگی هویت آفرین، گسترش روابط اجتماعی و تعلقات گروهی و از سوی دیگر آزادی و استقلال نسبی زنان در خانواده‌ها، صورتی فعالانه و غالباً آگاهانه به فرایند هویت‌یابی زنان داده‌است. انجام پژوهش حاضر در شهرهای تبریز و بوکان مسأله اساسی و مهم است. شهر تاریخی تبریز و شهر بوکان با قدمت زیاد به عنوان شهرهای استراتژیک و مهم از مهم‌ترین مناطق کشور، محل سکونت اقوام، طوایف و مذاهب مختلفی هستند و علاوه از افراد بومی تعداد زیادی مهاجرین نیز در این دو شهر زندگی می‌کنند. شرایط خاص فرهنگی و قومی در این دو شهر و به خصوص که محل تلاقی قومیت‌های تاریخی در کشور هست، زمینه مناسبی می‌تواند برای وقوع بحران‌های قومی فراهم سازد در دهه‌های اخیر به ویژه از قرن بیستم و نیمه از عواملی مانند افزایش اشتغال، آموزش و آگاهی زنان رو به گسترش گذاشته و این عوامل سبب دگرگون کردن ساختار سنتی خانواده پدرسالاری شده‌است. دگرگونی‌های وسیعی در سطح اقتصاد افزایش مشارکت زنان در بازار کار و مشاغل درآمدزا، دگرگونی‌های تکنولوژیک در زیست‌شناسی داروسازی و پزشکی و کنترل بیشتر فرزندی به ویژه جنبش‌های فمینیستی دهه‌های اخیر و انتشار سریع اندیشه‌ها در فرهنگ جهانی سبب شده صدای زنان در اکثر نقاط جهان گسترده شود. این تحولات به ویژه تحولاتی که در ساختار خانواده و نقش‌های زنان رخ داده، زمینه دگرگونی شخصیت و هویت اجتماعی زنان را فراهم نموده‌است. تعامل تغییرات نهادی و ساختاری یاد شده و نهضت‌های اجتماعی زنان زمینه‌ساز تغییراتی در ارزش‌ها، آرمان‌ها و نهایتاً هویت‌های شخصی و اجتماعی آنان شده‌است (۵). زنان نقش‌های اجتماعی متعددی را بر عهده دارند که تابع عضویت آنها در نهادها و

گروه‌های گوناگون است و هر کدام وجهی از هویت آنها را می‌سازد. هویت اجتماعی غالب یا نقش مسلط ارزش و اهمیت بیشتری برای افراد دارد و غالب اوقات فرد خود را با آن نقش و هویت تعریف می‌کند. (10) جان ترنر درباره خود آرمانی معتقد است هویتی که برای بازنمایی افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد با تجربیات، ارزش‌ها، نگرش‌ها، انتظارات، اهداف و نیازهای جاری و دانش پس زمینه‌های فرد مرتبط است. خودی که در موقعیت‌های واقعی نمود می‌یابد با خود موقعیت یافته به نسبت سیال و تغییرپذیر است؛ یعنی دارای ترجیحات تغییرپذیر است. اما خود آرمانی پایدارتر است؛ بنابراین خود آرمانی شخص که مبتنی بر ارزش‌ها و نگرش‌هاست، هم در هویت نقش مسلط و هم در هویت شخصی نفوذ دارد. (20). هویت برای زنان در ایران، از این رو اهمیت می‌یابد که برداشت‌های متفاوتی از زن بودن در جامعه وجود دارد. برخی از این برداشت‌ها با برداشت انسان کامل فاصله دارد. به بیان دیگر هویت زنان شکل کاملی به خود نگرفته‌است. در یک سطح جامعه و ساختارهای آن هویت زنان را به گونه‌ای ناصحیح ترسیم نموده که گویی آنان موجوداتی ناقص‌اند و در این راستا می‌توان به موانع قانونی و موارد تبعیض علیه زنان اشاره کرد. از طرف دیگر ساختارهای جامعه به گونه‌ای با هم ترکیب شده‌اند که باورهای نادرست در مورد زنان را به خود آن‌ها القا می‌کند. بخشی از این تصورات باعث می‌شود که زنان گاهی اوقات خود را مرد جلوه دهند و آروزی مرد بودن کنند. اگر جوامع انسانی، حضور زنان در عرصه‌های مختلف را جدی نگیرند، به واسطه نقش خنثی زنان در خانواده که به عنوان بنیادی‌ترین واحد جامعه محسوب می‌شود، نخواهند توانست به یک جامعه سالم دست یابند. هویت ملی ارتباط مستقیم و نزدیکی با موضوع وحدت ملی دارد و یکی از اساسی‌ترین عناصر و ضروری‌ترین پیش شرط دستیابی به وحدت و همبستگی ملی است. به لحاظ اینکه ایران از جمله کشورهایی است که همواره در طول تاریخ خود با موضوع تقویت و حفظ وحدت و همبستگی ملی درگیر بوده به همین خاطر توجه به هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی، بسیار ضروری است. نزدیک به دو دهه است که موضوع هویت ملی در بین محققین رشته‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته‌است و هر یک از یک موضوع یا رویکردی وضعیت هویت را شناسایی نموده‌اند. از جمله می‌توان به پرتوی (12) بررسی مؤلفه‌های پایه‌گذار هویت ملی در ایران؛ نقی زاده ملایوسفی (11) مطالعه تأثیر عوامل بیرونی بر بازسازی هویت ملی؛ قدرت هویت ملی در میان ایرانیان؛ علیزاده اقدم (4) تأثیر آموزش در بالابردن شاخص‌ها و نمادهای هویت ملی اشاره نمود. با وجود این تحقیقات، ابعاد ناشناخته هویت‌های جمعی و خلأهای تئوریک و پژوهشی زیادی در این زمینه وجود دارد. تداوم و پیوستگی ملیت ایرانی با وجود اقوام متعدد معنا شده‌است.

اهمیت اقوام بدون شک تأثیر زیادی بر وحدت ملی در کشور دارد. دوام و بقای یک ملت به یکپارچگی و وحدت درونی آن است، که در یک جامعه چند قومی در سایه روابط متقابل و مستمر میان اقوام میسر می‌شود لذا جوانان و بخصوص زنان جوان، با جدا شدن از بنیادهای سنتی و آن هم در شرایطی که ساختارهای نوین مدنی دچار ضعف یا نبود انسجام هستند و دچار عدم تشخیص الگوهای مناسب و در نتیجه دچار تعارض و سردرگمی و بلاتکلیفی شده و خود را در تعارض با ارزش‌های سنتی و مدرن می‌بینند؛ در این شرایط آنومی یا نابسامانی‌های اجتماعی زمینه مناسبی را برای پیدایش بحران هویت پدید می‌آورد. عوامل مرتبط با امور بین الملل هویت، هم زندگی مادی و اقتصادی افراد و جوانان و هم چهارچوب‌های نمادین آنان را دگرگون ساخته‌است. در چنین شرایطی اعضای جامعه و علی‌الخصوص جوانان جزء آسیب پذیرترین گروه جامعه و نیازمند ترین گروه جهت هویت‌یابی مستحکمی هستند؛ تا هم بتوانند در زندگی خود و دنیای اطرافشان نظمی ایجاد کنند و هم یک نوع احساس تعلق و همبستگی به نظام اجتماعی کل بیابند. (6) در شرایط حال حاضر جهان با قید و بندها، ارزش‌ها و معیارهای مذهب و شاخص‌ها و نمادهای ملی و قومی مواجهه جوانان در برابر الگوهای مذهبی ملی و جهانی متفاوت قرار می‌گیرند و دچار نوعی تعارض و ابهام و نبود تعادل و توازن لازم بین سطوح مختلف هویت شده و ممکن است به نوعی تعارض در هویت دچار شوند. در خصوص تعارضات هویتی ذکر این نکته ضروری هست که باید قادر باشیم تعارض را به شکل درست تعریف و در درجه بعدی، سطح بندی نماییم. نمی‌توان هر نوع تعارض با هر درجه و سطحی را پایه‌ای برای بحران هویت تلقی نمود. تعارض‌های هویتی افراد و بخصوص زنان جوان در صورت حل نشدن می‌تواند زمینه‌های تزلزل پایه‌های هویت‌های جمعی، نظیر هویت قومی و هویت ملی را فراهم سازد. تزلزل هویتی یک مرحله قابل بازگشت است، بدین معنی که اگر معانی سست شده و ضعیف شده هویتی بازسازی شوند و مطابق با نیازهای نسل حاضر باز نگری و بازتولید شوند، امکان ترمیم و تحکیم مبانی و اصول هویتی وجود دارد. در غیر این صورت وقوع بحران در هویت اجتناب ناپذیر می‌گردد. لذا آگاهی و دانش نسبت به هویت‌ها و توانایی در ترکیب و تعامل آنها با همدیگر و افزایش توان پاسخگویی به نیازهای جدید، سبب شکل دادن به الگوهای کنشی شده و راه را برای تعاملات اجتماعی بهتر و انسانی‌تر باز می‌کند. انجام پژوهش حاضر در شهر تبریز مسأله اساسی و مهم است. شهر تاریخی تبریز با قدمت زیاد به عنوان یکی از شهرهای استراتژیک و مهم، از مهم‌ترین مناطق کشور، محل سکونت اقوام، طوایف و مذاهب مختلفی است و علاوه از افراد بومی تعداد زیادی مهاجر نیز در این شهر زندگی می‌کنند.

هویت ملی

کشور ایران با برخورداری از میراث تاریخی دیدگاه و آگاهی فرهنگی نسبت به هویت خود به عصر ملت سازی و ناسیونالیسم قرن نوزدهم پا گذاشت. اندیشه‌های مدرن ملت، ناسیونالیسم و هویت ملی به مجموعه‌ای از احساسات درباره ملت و دولت مدرن اطلاق می‌شود که آرمان‌های خودمختاری، وحدت و رفاه ملت را می‌رساند و ذخایر غنی هویت ایران را تقویت کردند. این اندیشه‌های جدید هویت، مردم را از رعایا به شهروندان تبدیل کرده و وفاداری به ملت به یک ارزش اساسی مدرن تبدیل شد. هنگامی که جامعه پیشامدرن ایرانی با عصر مدرن ناسیونالیسم روبه‌رو شدند، بر اساس علایق موجود قومی و سرزمینی، خاطرات تاریخی و بر پایه رویدادهای تاریخی خود، در پی آفرینش یک هویت ملی ایرانی مدرن برآمد. در این رویارویی جدید با جهان خارج، نیروهای روشنگر و اندیشمندان ایرانی؛ زمینه‌ساز برآمدن روشنفکرانی شدند که مخاطبان گسترده‌ای از طبقه روشنبین داشتند. (1) از نظر آلن بیرو هویت ملی جماعتی از انسان‌ها که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، دارای منشأ مشترک هستند. از زمان‌های پیشین منافع مشترکی دارند و آداب و رسوم مشترک دارند و اکثریت آنها دارای زبان یکسانی هستند. طالبی معتقد است که هویت ملی نقش اساسی در انسجام بخشی به جامعه دارد و مانع از گروه‌گروه شدن و تکه تکه شدن آن جامعه می‌گردد. در اصل هویت ملی مانند چتری سایه خود را بر خرده فرهنگها می‌اندازد که موجب دستیابی به سازگاری ملی و سازگاری و وحدت ملی می‌شود (18).

هویت قومی

یکی از انواع هویت اجتماعی، هویت قومی است که در عصر مدرن همواره در پیوند با مباحث هویت ملی مطرح می‌شود. مفهوم قومیت همانند مفهوم ملیت، یک مفهوم ساده نیست و اغلب وجوه تمایز آن از مفهوم ملیت از نظر جامعه‌شناختی کار دشواری است. قومیت نوعی رویکرد درونی است که اهمیت آن برای فرد هنگام برقراری تعامل با افراد دیگر آشکار می‌شود. زمانی هویت قومی خود را آشکار می‌نماید که احساس می‌کند قومیت او در یک موقعیت خاص اجتماعی کارساز است و برای او مانعی را آسان می‌نماید و در جایی که آن را مانعی در راه منافع خود بداند آن را پنهان می‌گذارد. جامعه‌شناسان در خصوص این مضامین از مفهوم قومیت نمادین نیز یاد می‌کنند مثلاً در آمریکا قومیت نمادین بیانگر تمایل به حفظ نوعی حس قومی است بی آن که به پیوندها و رفتارهای اجتماعی قومی، تعهد عمیق و ریشه داری ابراز شود. هویت قومی یکی از انواع هویت‌هاست، فرد در کنار هویت قومی خود ممکن است انواع هویت‌های دیگر از جمله هویت مذهبی، هویت ملی، هویت شغلی و غیره را نیز داشته باشد. نکته مهم اهمیت یافتن یکی از مؤلفه‌های هویتی در شرایط خاص اجتماعی یا در وضعیت‌های تعاملی خاص است.

مبانی نظری

نظریه جورج هربرت مید

هربرت مید میان «من فاعلی» یا هویت فردی و «من مفعولی» یا هویت اجتماعی تفاوت قائل می‌شد. هر دوی این «من»ها در جریان تجارب و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. «من فاعلی» نمایانگر حساسیت اندام به وجهه نظر دیگران است و «من مفعولی» مجموعه‌ای سازمان یافته از نظرات متظاهر دیگران است. آنچه که در اینجا بر آن تأکید می‌شود «من مفعولی» یا اجتماعی است که حاصل مجموعه‌ای از رفتارهای شکل گرفته است که فرد آن را آموخته است و بر این اساس «من اجتماعی» تبلور ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات جامعه می‌باشد که مورد پذیرش قرار گرفته است (19). از نظر مید برای آنکه زندگی اجتماعی وجود پیدا کند، لازم است که کنشگران نمادهای معنی‌دار مشترکی داشته باشند. این واقعیت که نمادهای معنی‌دار اساساً برای همگان معنای یکسانی دارند و در آدم‌هایی که نمادها را به کار می‌برند و نیز کسانی که در برابر آنها واکنش نشان می‌دهند واکنش یکسان برمی‌انگیزاند، فراگردهای تفکر و عمل کردن و کنش متقابل را آسان می‌سازد. مید اهمیت زیادی برای انعطاف پذیری ذهن قائل بود؛ این انعطاف‌پذیری گذشته از فراهم کردن مبنایی برای معانی مشترک نمادها، اجازه می‌دهد که در موقعیت‌هایی که یک محرک معین معنای یکسانی برای همه افراد درگیر ندارد کنش متقابل انجام گیرد. انسان‌ها این توانایی ذهنی را دارند که پیوسته خود را با یکدیگر و با موقعیت موجود تطبیق دهند و بدین سان مبنای یک نماد خاص را دریابند. (14) هویت‌های قومی و ملی هر یک دارای معانی مشترکی هستند که نمادهایی را برای آن قوم یا ملیت ایجاد می‌نمایند. اعضای گروه قومی یا ملی، از این نمادها معنای یکسانی دریافت نموده و بر اساس آنها کنش و واکنش نشان می‌دهند و در مقابل محرک‌های درونی و بیرونی هویتی خویش تفکر و عمل مشابهی دارند.

نظریه هویت اجتماعی هنری تاجفل و جان ترنر

هویت اجتماعی درکی از کیستی خود است که فرد در ارتباط با عضویت در گروه‌های اجتماعی گوناگون به دست می‌آورد. مثل ایرانی بودن، تبریزی بودن، معلم بودن. هویت اجتماعی به قول تاجفل آن بخش از حقوق خود شناسی فرد است که از عضویت در یک گروه یا گروه‌های اجتماعی همراه با ارزش و اهمیت عاطفی تعلق به آن گروه سرچشمه می‌گیرد. (16) تئوری ایشان بر اساس اصل مقوله‌بندی است. فرضیه اصلی تئوری مقوله‌بندی این است که هویت اجتماعی در بسیاری موارد مانع جهت‌گیری فرد به طرف هویت شخصی شود. افراد جامعه به مقوله‌بندی اجتماعی برجسته‌کلیشه‌ای برای خودشان می‌کنند؛ که این امر به یک هویت ادراکی افزوده بین فرد و اعضای درون گروه و یک وجه تمایز ادراکی افزوده بین اعضای درون

گروه خود و اعضای برون گروه منجر می‌شود. هویت در این نظریه بر اساس احساس تعلق تعریف می‌شود. به این معنی که فرد آنهایی را که به آن تعلق دارند به عنوان درون گروه خود و مقوله‌ای مثبت و آنهایی را که به آنها متعلق نیست با عنوان برون گروهی می‌شناسند. در تئوری هویت اجتماعی تاجفل و ترنر یک شخص تنها یک خود شخصی ندارد بلکه دارای چندین خود است که با عضویت گروهی هم‌خوانی دارد. زمینه‌های متفاوت اجتماعی ممکن است یک شخص را به فکر کردن، احساس کردن و عمل کردن بر مبنای رده خود شخصی، خانوادگی یا ملی‌اش برانگیزاند. (21) تاجفل بین عضویت گروهی و هویت اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند. وی عضویت گروهی را مشتمل بر سه عنصر می‌داند: الف) عنصر شناختی یا معرفتی که بیانگر میزان آگاهی شخص به تعلق داشتن به یک گروه است. ب) عنصر ارزشی که مشتمل بر محاسباتی می‌شود که فرد خصوص پیامدهای منفی و یا مثبت عضویت گروهی دارد. ج) عنصر احساساتی و عاطفی که به میزان احساسات فرد نسبت به یک گروه و نیز افراد دیگری خارج از گروه که رابطه ویژه‌ای با گروه دارند اشاره می‌نماید. در نظریه هنری تاجفل مقوله‌هایی را که در ذهن خود ایجاد می‌کنیم و سپس با مرتب کردن موضوعات و عناوین آنها، تفاوت‌ها را در بین مقوله‌ها افزایش می‌دهیم. (افزایش تفاوت‌های بین مقوله‌ای) و در داخل گروه آنها را کاهش می‌دهیم (16).

نظریه تعلق اجتماعی جان ترنر و هنری تاجفل

هسته نظریه هویت اجتماعی ارتباطات و تعاملات بین گروهی و مخصوصاً جهت‌گیری درون گروه و کشمکش و تعارض اجتماعی است. درحالی که که نظریه خود مقوله‌بندی در گروه‌های روانشناختی و فرایندهای دارای پیوند با تعاون و پیوستگی و تأثیرپذیری اجتماعی بنا نهاده شده است. (21) بنابراین تعلق افراد به گروه‌های متفاوت است که آنها با یک هویت اجتماعی به معرفی وضعیت به خصوصیات‌شان در جامعه دست می‌یابد. اما تعلق به گروه مشخص فقط در زمانی به مشارکت در یک هویت اجتماعی مثبت ختم می‌شود که مشخصه بارز آن گروه بتواند بصورت جانبدارانه‌ای با دیگر گروه‌ها مقایسه گردد؛ در این مقایسه افراد گرایش دارند به نفع گروه خودشان داوری کنند. بر همین اساس هویت اجتماعی نوعی شناخت فرد از خود در رابطه با دیگران است که نشان دهنده جایگاه و کیستی آن شخص از نظر روانشناختی و اجتماعی است. افراد با عضویت در مقوله اجتماعی مشترک خودشان را تعریف می‌کنند؛ و این یعنی تأکیدی ادراکی به شباهت‌های درون گروهی و تفاوت عمده برون گروهی در ابعاد مختلف است. مردم خودشان و دیگران را کلیشه‌ای میکنند به مدد مقوله‌بندی اجتماعی برجسته. که این امر به یک هویت متمایز ادراکی افزوده بین خود و اعضای درون گروه منجر می‌شود و از سوی دیگر تمایز ادراکی افزوده بین اعضای درون گروه و برون گروه را سبب می‌شود. (20) هرگاه هویت اجتماعی نسبت به هویت شخصی بارزتر می‌شود، افراد خودشان را کمتر از راه تفاوت‌های فردی و بیشتر با شباهت‌های درون گروهی می‌بینند و می‌سنجد و این همان مسأله غیر شخصی سازی خود می‌باشد.

نظریه هویت جنکینز

به نظر جنکینز اگر هویت پیش‌نیاز زندگی اجتماعی است، پس زندگی اجتماعی هم برای هویت پیش‌نیاز است و هویت بدون زندگی اجتماعی بی‌معنا. او معتقد است جداسازی جنسیتی سازمان‌های اجتماعی، زیست‌شناختی، محتوا و ویژگی‌های این جداسازی متفاوت است، اما در همه جوامع وجود دارد. از نظر وی جنسیت پدیده‌ای همگانی است و تعلق به هویت فردی ندارد. از لحاظ نشانه‌گذاری محلی، اجتماعی و فرهنگی تفاوت‌های جنسیتی اهمیت پیدا می‌کند. جنسیت در دیدگاه وی هویتی جمعی یا مقوله جدا از شکل‌گیری گروه است. (10) از این نظریات می‌توان چنین نتیجه گرفت که جنسیت یا هویت جنسی هم پدیده‌ای فردی و هم پدیده جمعی است و جوامع انسانی به گونه‌ای گسترده بر پایه اصلاحات جنسیتی ساخت یافته‌اند.

نظریه آنتونی گیدنز

از نظر گیدنز هویت عبارت است از خود، آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد. هویت امر پایداری نیست بلکه یک پدیده پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است. وی می‌گوید؛ نیروی اساسی اغلب کنش‌ها مجموعه‌ی ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است. به نظر او یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش، نیاز به رسیدن به امنیت هستی‌شناختی یعنی حس اعتماد است. چون انسان‌ها می‌توانند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند فرآیند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و گاهی قطعی به وجود می‌آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویا است. (8)

نظریه اریک اریکسون

به نظر اریکسون، تفاوت‌های فرهنگی بین دو گروه، شاخص قطعی هویت متفاوت نیست دو گروه می‌توانند از لحاظ فرهنگی یعنی فرهنگ کلی یکسان باشند ولی دو گروه متفاوت را تشکیل داده باشند. به عنوان مثال دو گروه درون همسر متفاوت در یک محل امکان دارد از لحاظ زبانی و مذهبی و اعتقادی با هم متفاوت باشند اما این تفاوت لزوماً به این معنی نیست که یک ارتباط قومی بین آنها وجود ندارد. شرط به وجود آمدن گروه قومی این است که باید یک برخورد و یا حداقلی از برخورد با دیگر اقوام را داشته باشد و اعضای گروه باید عقاید گروه‌های دیگر را به عنوان تفاوت‌های فرهنگی از سنت خودشان بدانند؛ در صورتی که این شرط نباشد قومیت وجود ندارد. هویت نمودی از ارتباط است و نه نمودی از یک صفت خاص. ارتباط اساسی است و بدین لحاظ قومیت یک ارتباط اجتماعی ویژه بین عاملانی است که خودشان را به لحاظ فرهنگی از

اعضای گروه‌های دیگر که با آنها حداقلی از کنش متقابل منظم را دارند، متفاوت می‌بینند... همچنین قومیت می‌تواند به عنوان هویت اجتماعی به وسیله خویشاوندانی افسانه‌ای یا استعاره‌ای تعریف شده باشد. گروه‌های قومی تمایل دارند که اسطوره‌هایی از سرچشمه مشترک داشته باشند. (6) اریکسون که بنیانگذار اصلی مفهوم هویت است و هویت را به عنوان ساختار مستحکمی در بزرگسالی می‌داند از نظر اریکسون می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای تشکیل هویت قومی دو شرط لازم است شرط اول وجود مؤلفه‌های فرهنگی به عنوان عناصر لازم هویت قومی و شرط دوم آگاهی از این عناصر فرهنگی و ارتباط آنها با دیگر گروه‌های قومی است. اگر گروه در کنش متقابل با دیگران نباشد و در این کنش متقابل به تفاوت‌های خود و دیگران آگاهی پیدا نکند گروه قومی به وجود نمی‌آید.

نظریه تعصب اجتماعی رادنی استارک

برخی نظریات اندیشمندان، تعصب را مسأله‌ای روانی دانسته و آن را ناشی از احساس بی‌کفایتی شخصیتی یا پایین بودن عزت نفس می‌دانستند. به عبارت دیگر تصور می‌رفت مردم به این دلیل متأثر می‌شوند که بتوانند دیگران را به دیده حقارت بنگرند. بسیاری از جامعه‌شناسان از جمله استارک به این عقیده که تعصب مسأله‌ای کاملاً روانی است واکنش نشان دادند. در نتیجه برای ربط دادن تعصب به تأثیرهای اجتماعی، به ویژه راه‌هایی که از طریق آن می‌توان تعصب را آموخت یا از میان برد، مطالعات بسیار زیادی صورت گرفت و پژوهشگران دریافتند؛ هر چه میزان تحصیلات و درآمد فردی بیشتر باشد این احتمال که فرد علیه سایر گروه‌های نژادی و قومی تعصب داشته باشد کمتر است. مطالعات دیگر به این نتیجه رسیدند که هر چه فرد مذهبی‌تر باشد این احتمال که علیه پیروان سایر ادیان تعصب داشته باشد، بیشتر است، اما دین و تعصب علیه سایر نژادها بر گروه‌های قومی پیرو همان دین تأثیری نداشته است. به رغم تلاش‌های زیادی که طی چندین دهه صورت گرفته است؛ در زمینه تعصب نتوانستند آن را تبیین کنند که چرا مردم متعصب‌اند؟ علاوه بر آن به تدریج چنین به نظر رسید که تعصب احتمالاً علت بنیادی کشمکش میان گروهی نیست به جای آن به نحو فزاینده معلوم شد کشمکش میان گروهی علت تعصب است. بر این اساس این نظر که درمان تعصب موجب از میان رفتن کشمکش می‌شود علت و معلول را منعکس معکوس می‌کند. بر این اساس جامعه‌شناسان متقاعد شدند فقط با فیصله دادن به کشمکش‌ها می‌توان تعصب‌ها را از میان برد.

پیشینه تحقیق

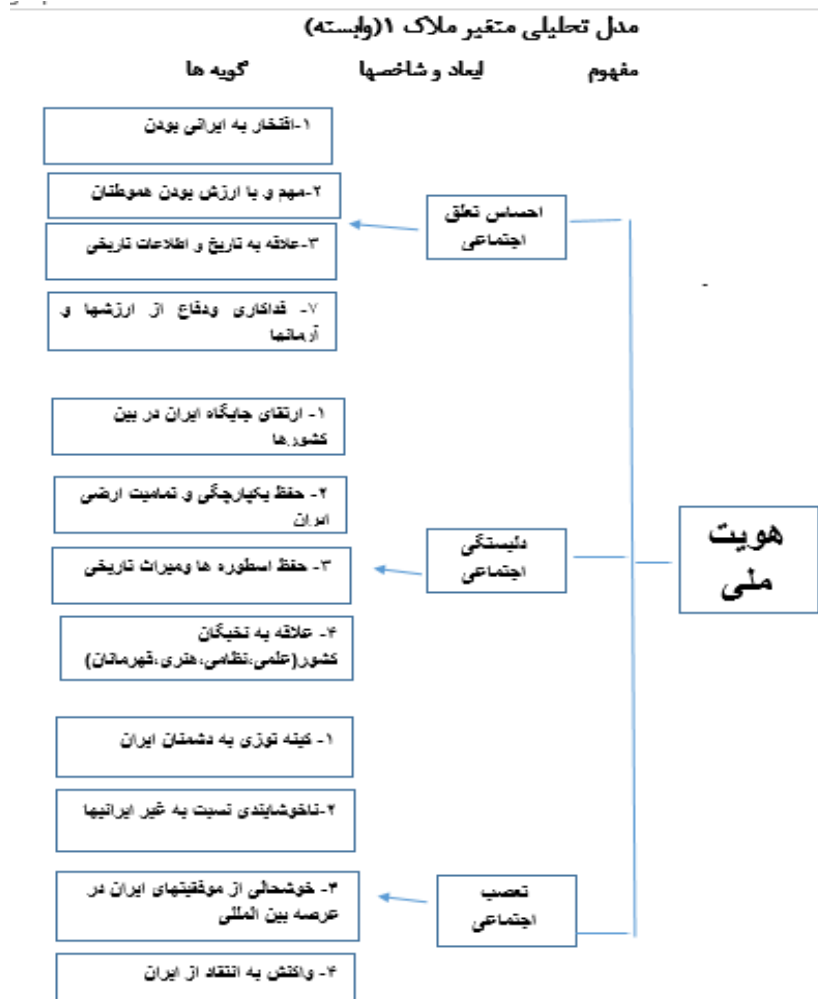
اکبری و عیو ضی (3) تحقیقی انجام دادند در مورد " بررسی وضعیت و ابعاد سازنده هویت ملی، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اکثریت پاسخگویان، یعنی نزدیک به ۷۰ درصد دارای هویت ملی بالا یا خیلی بالا هستند. همچنین مهمترین ابعاد سازنده هویت ملی پاسخگویان به ترتیب ابعاد زبانی، ادبی،

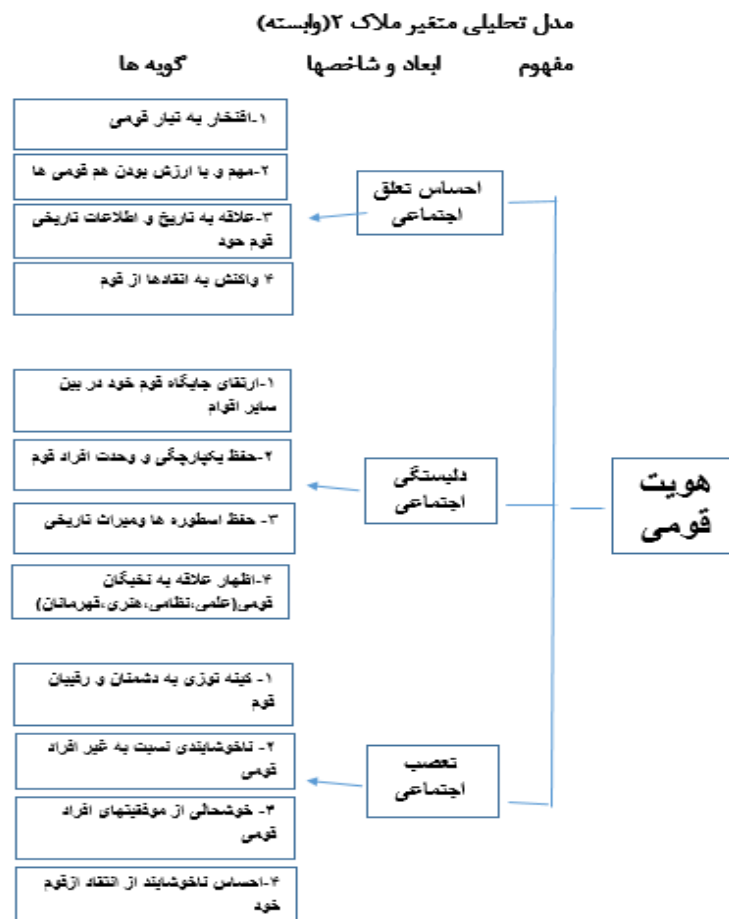
تاریخی، جغرافیایی و دینی است. بررسی وضعیت هویت ملی در میان گروه‌های اجتماعی مختلف نشان داد که زنان ۳۰ تا ۴۵ سال، متأهلین، افراد بازنشسته و زنان خانه دار، دارای هویت ملی بالاتری نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی هستند. قاسمی و دیگران (7) پژوهشی با عنوان بررسی رابطه احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی جوانان قوم کرد به انجام رساندند. بررسی‌ها نشان داد که بین هویت ملی و احساس عدالت اجتماعی شهروندان همبستگی معناداری وجود دارد و هرچه میزان احساس عدالت اجتماعی بیشتر باشد گرایش به هویت ملی شهروندان بالاتر است. جعفرپور و همکاران (9) در تحقیقی با عنوان رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران به این نتایج رسیدند که هویت قومی ضرورتاً و در تقابل با هویت ملی نیست و می‌تواند در عرض آن هویت قرار بگیرد و ضرورتاً در تقابل با آن نیست. نتیجه دیگر وجود ارتباط مثبت بین دو هویت قومی و ملی بود و هویت قومی منجر به هویت و تقویت هویت و انسجام ملی می‌شود. سلطانی و همکاران (15) پژوهشی با عنوان "بررسی وضعیت هویت ملی زنان متأهل در شهر تهران" انجام دادند. مطالعه آنها یک مطالعه توصیفی - تحلیلی بود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین هویت ملی در میان زنان، وضعیت خوبی را نشان می‌دهد. بنابراین غنی‌سازی هویت ملی به مسئولان فرهنگی نهادهای مختلف پیشنهاد می‌شود تا با بررسی مطالبات فرهنگی مردم، اقوام مختلف و اعمال سیاست‌های فرهنگی رفاه مردم را از طریق داشتن منابع هویت غنی به ویژه هویت ملی فراهم نمایند. احمدلو (۱۳۸۱) در پژوهشی که با عنوان بررسی رابطه میزان هویت قومی و هویت ملی در بین جوانان تبریز انجام داد، با استفاده از مؤلفه‌هایی مانند گرایش به ادبیات و زبان فارسی، وابستگی فرهنگی ملی، میراث ملی، گرایش سیاسی و گرایش دینی به این نتیجه دست یافت که هویت ملی و قومی با هم ارتباط دارند و افراد جامعه در پروسه جامعه‌پذیری، هم هویت قومی و هم هویت ملی را درونی می‌کنند. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که جوانان تبریز همزمان با گرایش به هویت ملی؛ نسبت به هویت قومی هم گرایش زیادی دارند و میان این دو نوع هویت جمعی ارتباطی مثبت وجود دارد. فیینی جین (13) در پژوهشی با عنوان رشد هویت قومی در بین دانش‌آموزان اقلیت‌های قومی در شهر لس‌آنجلس مطالعه‌ای انجام داد. در این مطالعه نحوه تعامل این دو هویت را مورد توجه قرار داد. یافته‌های او نشان از حائز اهمیت بودن مطالعات هویت قومی در دنیا داشت. اهمیت موضوع انسجام ملی با توجه به تنوع فرهنگی و قومی در درون کشورها سبب شکل‌گیری انواع سیاست‌های انسجام بخش در تعدادی کشورهای دنیا، از جمله در ترکیه، فرانسه، کانادا، چین، هند و آمریکا شده است.

سوالات تحقیق

۱- میزان پایداری به هویت‌های ملی و قومی در بین زنان جوان قوم ترک در شهر تبریز و بوکان چقدر است؟

۲- آیا بین میزان پابندی به هویت‌های ملی و قومی در بین زنان جوان قوم ترک شهر تبریز و زنان جوان قوم کرد شهر بوکان تفاوت وجود دارد؟





روش تحقیق

روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش نامه استاندارد هویت فینی (فینی جین، ۱۹۸۹) بود. جامعه آماری زنان جوان ترک و کرد ساکن شهرهای تبریز و بوکان در سنین ۱۸ تا ۲۹ سال که بر اساس آخرین سرشماری عمومی تعداد زنان جوان ترک شهر تبریز ۳۲۲۲۵۷ نفر و تعداد زنان جوان کرد شهر بوکان ۳۳۴۵۵ بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برای زنان جوان ترک شهر تبریز و تعداد ۳۸۰ نفر برای زنان جوان شهر بوکان تعیین گردید. روش نمونه گیری، نمونه گیری تصادفی سیستماتیک بود. اعتبار ابزار، از طریق اعتبار صوری مورد ارزیابی قرار گرفت و برای تأمین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. برای اندازه گیری متغیرهای تحقیق و ابعاد آنها از طیف پنج درجه‌ای لیکرت استفاده گردید.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی شاخص‌های هویت ملی

میانگین میزان شاخص‌های هویت ملی برابر $۳/۷۱$ ، کمترین مقدار برابر $۲/۰۸$ و بیشترین مقدار برابر $۵/۰$ بود. میانگین میزان تعلق اجتماعی به هویت ملی برابر $۳/۹۷$ ، کمترین مقدار برابر $۲/۰$ و بیشترین مقدار برابر $۵/۰$ بود. میانگین میزان دلبستگی اجتماعی به هویت ملی برابر $۳/۹۷$ ، کمترین مقدار برابر $۲/۰$ و بیشترین مقدار برابر $۵/۰$ و میانگین میزان تعصب اجتماعی به هویت ملی برابر $۳/۸۱$ ، کمترین مقدار برابر $۲/۰$ و بیشترین مقدار برابر $۵/۰$ بود.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی هویت ملی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	شاخص‌های هویت ملی
۷۹۴	$۳/۷۱$	$۰/۷۱$	$۲/۰۸$	$۵/۰۰$	شاخص‌های هویت ملی
۷۶۴	$۳/۹۷$	$۰/۸۵$	$۲/۰۰$	$۵/۰۰$	تعلق اجتماعی به هویت ملی
۷۶۴	$۳/۹۷$	$۰/۷۷$	$۲/۰۰$	$۵/۰۰$	دلبستگی اجتماعی به هویت ملی
۷۶۴	$۳/۸۱$	$۰/۷۲$	$۲/۰۰$	$۵/۰۰$	تعصب اجتماعی به هویت ملی

آماره‌های توصیفی میزان هویت قومی

میانگین میزان شاخص‌های هویت قومی برابر $۴/۰$ ، کمترین مقدار برابر $۲/۵۰$ و بیشترین مقدار برابر $۵/۰$ است. میانگین میزان تعلق اجتماعی به هویت قومی برابر $۴/۰۹$ ، کمترین مقدار برابر $۲/۶۰$ و بیشترین مقدار برابر $۵/۰$ است. میانگین میزان دلبستگی اجتماعی به هویت قومی برابر $۴/۱۹$ ، کمترین مقدار برابر $۲/۲۵$ و بیشترین مقدار برابر $۵/۰$ است. میانگین میزان تعصب اجتماعی به هویت قومی برابر $۳/۷۶$ ، کمترین مقدار برابر $۱/۶۰$ و بیشترین مقدار برابر $۵/۰$ است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی هویت قومی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	شاخص‌های هویت قومی
۷۶۴	$۴/۰۰$	$۰/۵۵$	$۲/۵۰$	$۵/۰۰$	شاخص‌های هویت قومی
۷۶۴	$۴/۰۹$	$۰/۶۰$	$۲/۶۰$	$۵/۰۰$	تعلق اجتماعی به هویت قومی
۷۶۴	$۴/۱۹$	$۰/۶۴$	$۲/۲۵$	$۵/۰۰$	دلبستگی اجتماعی به هویت قومی
۷۶۴	$۳/۷۶$	$۰/۷۸$	$۱/۶۰$	$۵/۰۰$	تعصب اجتماعی به هویت قومی

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه ۱: میزان پایداری به هویت ملی در بین زنان جوان ترک و کرد در شهرهای تبریز و بوکان بر حسب قومیت تفاوت دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t مستقل استفاده شده است. میانگین میزان پایداری به شاخص‌های هویت ملی در بین زنان ترک برابر ۳/۶۸ و در در بین زنان کرد برابر ۳/۷۴ و سطح معنی‌داری برابر ۰/۲۴۴ است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون t که بزرگتر از ۰/۰۵ است فرض تحقیق رد می‌شود. در نتیجه میزان پایداری به هویت ملی در بین زنان جوان ترک و کرد در شهرهای تبریز و بوکان تفاوت معنی‌داری ندارد. همچنین میزان مؤلفه‌های تعلق اجتماعی به هویت ملی، دلبستگی اجتماعی به هویت ملی و تعصب اجتماعی به هویت ملی در بین زنان جوان ترک و کرد تفاوت معنی‌داری ندارند ($p > 0/05$). با توجه به نتیجه حاصله، میانگین میزان پایداری به شاخص‌های هویت ملی در بین زنان جوان ترک شهر تبریز برابر ۳/۶۸ و در بین زنان جوان کرد شهر بوکان برابر ۳/۷۴ و سطح معنی‌داری برابر ۰/۲۴۴ است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ عدم وجود تفاوت در میزان پایداری به هویت ملی در بین زنان جوان ترک و کرد شهرهای تبریز و بوکان تایید می‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میزان شاخص‌های هویت ملی

متغیر وابسته	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون لوین		آزمون t	
					آماره F	سطح معنی‌داری	آماره t	درجه آزادی
شاخص‌های هویت ملی	ترک	۳۸۴	۳/۶۸	۰/۶۶	۱۳/۳۴۴	۰/۰۰۱	-۱/۱۶۵	۷۶۲/۴۳۵
	کرد	۳۸۰	۳/۷۴	۰/۷۵				
تعلق اجتماعی به هویت ملی	ترک	۳۸۴	۳/۹۷	۰/۷۴	۳۱/۸۰۴	۰/۰۰۱	۰/۱۹۸	۷۲۹/۲۷۶
	کرد	۳۸۰	۳/۹۶	۰/۹۵				
دلبستگی اجتماعی به هویت ملی	ترک	۳۸۴	۳/۹۵	۰/۷۰	۸/۰۲۶	۰/۰۰۵	-۰/۷۱۷	۷۵۳/۱۸۸
	کرد	۳۸۰	۳/۹۹	۰/۸۳				
تعصب اجتماعی به هویت ملی	ترک	۳۸۴	۳/۸۰	۰/۶۶	۱۱/۷	۰/۰۰۱	-۰/۳۶	۷۵۴/۹۳۹
	کرد	۳۵۰	۳/۸۲	۰/۷۸				

فرضیه ۲: بین میزان پایبندی به هویت قومی در بین زنان جوانان ترک و کرد در شهرهای تبریز و بوکان تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t مستقل استفاده شده است. فرض صفر برابر بودن میانگین میزان پایبندی به شاخص‌های هویت قومی در دو گروه زنان و مردان است. میانگین میزان پایبندی به شاخص‌های هویت قومی در بین زنان جوان ترک برابر ۳/۹۷ و در در بین زنان جوان کرد برابر ۴/۰۳ و سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۹۷ است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون t که بزرگتر از ۰/۰۵ است، میزان پایبندی به شاخص‌های هویت قومی در بین زنان جوان ترک و کرد در شهرهای تبریز و بوکان، تفاوت معنی‌داری ندارد. همچنین میزان مؤلفه‌های تعلق اجتماعی به هویت قومی و تعصب اجتماعی به هویت قومی در بین زنان جوان ترک و کرد تفاوت معنی‌داری ندارند ($p > 0/05$)، ولی میزان دلبستگی اجتماعی به هویت قومی در بین زنان کرد بطور معنی‌داری بیشتر از زنان ترک است.

جدول ۴. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میزان شاخص‌های هویت قومی

متغیر وابسته	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون لوین		آزمون t	
					آماره F	سطح معنی‌داری	آماره t	درجه آزادی
شاخص‌های هویت قومی	ترک	۳۸۴	۳/۹۷	۰/۵۰	۱۶/۹۲۶	۰/۰۰۱	-۱/۶۶۳	۷۴۷/۴۸۱
	کرد	۳۸۰	۴/۰۳	۰/۶۰				
تعلق اجتماعی به هویت قومی	ترک	۳۸۴	۴/۰۷	۰/۵۴	۱۵/۰۸	۰/۰۰۱	-۰/۷۵	۷۴۸/۹۲۸
	کرد	۳۸۰	۴/۱۰	۰/۶۵				
دلبستگی اجتماعی به هویت قومی	ترک	۳۸۴	۴/۰۸	۰/۶۳	۰/۲۹۷	۰/۵۸۶	-۴/۸	۷۷۶
	کرد	۳۸۷	۴/۳۰	۰/۶۴				
تعصب اجتماعی به هویت قومی	ترک	۳۸۴	۳/۷۵	۰/۷۲	۱۸/۱۹۴	۰/۰۰۱	-۰/۴۹۷	۷۵۵/۰۴۳
	کرد	۳۸۰	۳/۷۷	۰/۸۴				

نتیجه‌گیری و بحث

هدف اصلی تحقیق حاضر، تعیین میزان پایبندی به شاخص‌های هویت‌های قومی و ملی و مقایسه میزان پایبندی به این هویت‌ها در بین زنان جوان دو قوم ترک و کرد در شهرهای تبریز و بوکان بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که میزان پایبندی همه مؤلفه‌های متغیرهای هویت ملی و هویت قومی در بین زنان جوان ترک و کرد این دو شهر در سطح

بالایی قرار دارد و بین میزان پابندی به هویت‌های قومی و ملی در بین افراد جامعه آماری این تحقیق تفاوت معنا داری وجود ندارد. نتایج به دست آمده با تحقیقات انجام گرفته مانند اکبری و عیوضی (3) جعفرپور و دیگران (9)، قاسمی و دیگران (7) همسو می‌باشد. بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه هویت‌های جمعی به ویژه هویت‌های ملی و هویت‌های قومی، بیانگر عدم تعارض میان هویت ملی و هویت‌های قومی است. با توجه به نتایج حاصله، میانگین مؤلفه احساس تعلق اجتماعی و دلبستگی اجتماعی به هویت ملی و هویت قومی بالاتر از حد متوسط است. این یافته نشان می‌دهد که در جامعه مورد مطالعه، میزان تعلق اجتماعی و دلبستگی اجتماعی به هویت قومی و هویت ملی بالا است. احساس تعلق در افراد طبق نظریه تاجفل با عضویت گروهی و به مدد سه عنصر آگاهی، ارزشی و معرفتی شکل می‌گیرد. زمانی افراد ادراک عادلانه دارند که احاد جامعه صرف نظر از الگوهایی نظیر عقیده‌ها، نژاد، طبقات، تعلقات خانوادگی، نسلی و قومیتی دارای شرایط یکسان و برابری در استفاده از امکانات باشند. مطابق تحقیقات استارک، تعصب عامل کشمکش اجتماعی نیست، خود در شرایط کشمکش حاصل می‌شود. چنانکه در رابطه هویت و زندگی اجتماعی می‌گوید: اگر هویت پیش‌نیاز زندگی اجتماعی است پس زندگی اجتماعی هم برای هویت پیش‌نیاز است و هویت بدون زندگی اجتماعی بی‌معناست. او معتقد است جداسازی جنسیتی سازمان‌های اجتماعی، زیست‌شناختی، محتوا و ویژگی‌های این جداسازی متفاوت است، اما در همه جوامع وجود دارد. از نظر وی جنسیت پدیده‌ای همگانی است و تعلق به هویت فردی ندارد. از لحاظ نشانه‌گذاری محلی، اجتماعی و فرهنگی تفاوت‌های جنسیتی اهمیت پیدا می‌کند. جنسیت در دیدگاه وی هویتی جمعی یا مقوله جدا از شکل‌گیری گروه است. (10) از این نظریات می‌توان چنین نتیجه گرفت که جنسیت یا هویت جنسی هم پدیده‌ای فردی و هم پدیده جمعی است و جوامع انسانی به گونه‌ای گسترده بر پایه اصلاحات جنسیتی ساخت یافته‌اند. برخی از جامعه‌شناسان ساختارگرای کارکردگرا بر این عقیده‌اند که هویت انسان‌ها تا حد زیادی بر تفاوت‌های ذاتی افراد مبتنی است اغلب تفاوت‌هایی که بین زنان و مردان وجود دارد یعنی تفاوت‌های جنسیتی را ذاتی تلقی می‌کنند که در این دسته از اندیشمندان و جامعه‌شناسانی مانند پارسونز و دورکیم قرار می‌گیرد. باید گفت، علیرغم وجود شرایط تسهیل‌گر بحران هویت و به حاشیه راندن هویت‌های قومی و محلی به نفع نظم نوین جهانی، پابندی به هویت‌های ملی و قومی در بین زنان جوان دو قوم ترک و کرد نشانگر ریشه‌های توانمند و غنی هویت‌ساز قومی و ملی در جامعه ایران است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- 1-Ahmadi, Hamid (2012) Foundations of National Identity of Iran, Quarterly Journal of National Studies, Year 13, Issue 3
- 2-Ahmadlou. Habib (2001) A Study of the Relationship between National and Ethnic Identity among the Youth of Tabriz, Tehran, Tarbiat Modares University
- 3-Akbari. Hussein, Ayyzi Mohammad Rahim (2012) A Study of the Status and Constructive Dimensions of National Identity in Mashhad, Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities - Ferdowsi University of Mashhad - Spring and Summer 2013
- 4-Alizadeh Aghdam et al. (2007) Application of Students' National and Religious Identity Journal of Humanities, University of Isfahan, Volume 23- Number 2
- 5-Castells Manuel (2001) Information Age, Volume 2: The Power of Identity, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: New Design
- 6-Erikson. Thomas H (1993). Ethnicity and Nationalism. London: pluto press
- 7-Ghasemi, Alireza and Gravnd Jamshid (2015) A Study of the Relationship between the Sense of Social Government and the National Identity of Kurdish Youth, A Case Study of Qorveh City, Sociology, Youth Studies, Spring, Volume 5, Number 17
- 8-Giddens. Antoni (2006) Modernity and Personalization, Society and Personal Identity in the New Age, translated by Nasser Movafghian, Tehran, published
- 9-Jafarpour et al. (2015) Explaining the Relationship between Three Individual, Social, and National Identities and Citizens' Commitment to Citizenship Culture, Iranian Journal of Social Development Studies, Volume 6, Number 4
- 10-Jenkins. Richard (2002) Social Identity, translated by Touraj Yar Ahmadi, Tehran: Shiraz Publishing
- 11-Naghizadeh Mullah Yousefi, Alireza (2006) The Impact of Globalization on the Reconstruction of the National Identity Pattern, M.Sc. Thesis, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University

- 12-Partovi, Asghar (2000) The Role of Nationalism and Islam in Creating a Common Nation-Building Identity in the Pahlavi Period and the Islamic Republic of Iran, PhD Thesis, Imam Sadegh University
- 13-Phinney.j(1992)"the Multigroup Ethnic //identityMeasure:A NewScale for use whitAdolescents andYiung Adults fromDiverse Groups." Journal of Adolescent Research.7
- 14-Ritzer. George (2005) Sociological theory in the contemporary era, translated by Mohsen Thalasi, Tehran Scientific Publications
- 15-Soltani, Bahram, Alizadeh Aghdam. Saeed (2013), A Survey of the National Identity Status of Married Women in Tehran, Conference on Ethnicity and Islamic Culture: Tabriz
- 16-Tagfel, H. (1982) Social Identity and Intergroup Relations.Combidge:Cambridge University Press
- 17-Tajfel, H. & John, T. (1979). An Integrative Theory of Intergroup Conflict, The Social Psychology of Intergroup Relations, Monterey, CA: Brooks/Cole. Pp 33-44
- 18-Talebi.S (2008), The Transformation of National Identity of Female Elementary, Middle and High School Students in Tehran, M.Sc. Thesis, Tarbiat Modares University
- 19-Tavassoli. Gholamabbas (2009) Sociological Theories, Tehran: Samat Publications
- 20-Turner G.& Haslam S. (2001) Social identity organization and Leadership.in:E.Turner Group at work London:Laswrence Erlbaum Associates publishers
- 21-Turner, Janathan, H. (2003). The Structure of Sociological Theory, California: Thomson, Wadsworth - www.amar.org.ir (2016)

**Assessing the adherence of young Turkish and Kurdish women in
Tabriz and Buchan to national and ethnic identity***Maria Pashaei*¹*Mahmoud Elmi*²*Davood Ebrahimpour*³**Abstract**

The condition for the survival and cultural continuity of societies is the cohesion and integration of people who consider their identity roots to belong to that culture. Identification and alignment with collective identities such as national identity and ethnic identity are important among women who are both half of the population and play an important role in identifying the other half. The general purpose of this study was to determine the degree of adherence of young Turkish and Kurdish women in the cities of Tabriz and Buchan to national and ethnic identity. The research method was correlational survey. The statistical population included the youth of 18 to 30 years old in Tabriz and Buchan and the sample size consisted of 384 and 380 people, respectively. The results of Pearson correlation test showed that the level of adherence to national identity among young Turkish and Kurdish women in Tabriz and Buchan is high and there is no significant difference between them. Adherence to national and ethnic identities among young Turkish and Kurdish women reflects the rich roots of ethnic and national identity in Iranian society.

Keywords: National identity, ethnic identity, young Turkish and Kurdish women

1 . PhD student in Sociology. Department of Sociology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2 . Assistant Professor, Department of Sociology, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran elmim@iaut.ac.ir

3 . Assistant Professor, Department of Sociology, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran